

جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۱۲، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

تحلیل جامعه‌شناختی مؤلفه‌های هویت‌ساز در خاطره-داستان نورالدین

پسر ایران

مریم اکبری^۱، خلیل بیگزاده^۲، عیسی نجفی^۳

چکیده

هویت از نگاه جامعه‌شناختی ابعادی گوناگون دارد که هویت دینی، ملی و قومی نمونه‌هایی از آن هستند و هر یک ارزش‌ها و هنجارهای ویژه‌ای دارند که گاهی مشترک و گاهی متفاوت‌اند. خاطره-داستان نورالدین پسر ایران از آثار ادبیات روایی دفاع مقدس است که بخشی از ارزش‌ها و هنجارهای دینی، ملی و قومی را بازتاب داده است. هویت ملی و دینی مبتنی بر شاخص‌های گذشته‌شناسی، خودشناسی، خودباوری و دشمن‌شناسی است که در خاطرات سیدنورالدین عافی، بازتاب یافته و نشان‌دهنده نگرش فکری و فرهنگی رزمندگان، شرایط فرهنگی و اجتماعی آنان، رخدادهای دوران دفاع مقدس و به عبارتی بازتاب هویت دینی و ملی جامعه ایرانی در دوران دفاع مقدس است. پژوهش پیش‌روی با هدف تبیین شاخص‌های هویت دینی و ملی مبتنی بر شرایط فرهنگی و اجتماعی رزمندگان در خاطره-داستان مورد مطالعه با تکیه بر الگوی پیشنهادی هانری زالامانسکی مبتنی بر اساس جامعه‌شناسی محتواگرا با رویکردی توصیفی-تحلیلی انجام شده است. دستاورد تحقیق نشان می‌دهد، هویت دینی، ملی و قومی در این خاطره-داستان، مبتنی بر گذشته‌شناسی، خودشناسی، خودباوری و دشمن‌شناسی است که در مفاهیمی چون پیروی از الگوهای دینی، عمل‌گرایی دینی و ملی، نقش و کارکرد نمادهای دینی، نوزایی آگاهانه و شهادت‌طلبی، وطن‌دوستی و میهن‌خواهی مبتنی بر هویت دینی و ملی، هویت دیگری و دشمن‌ستیزی از برجسته‌ترین محتواهایی است مبتنی بر که بر مبنای هویت دینی و ملی بازتاب یافته است.

کلیدواژه‌ها: هویت دینی، هویت ملی، تحلیل جامعه‌شناختی، دفاع مقدس، خاطره-داستان نورالدین

پسر ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۰۳

۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی

۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، (نویسنده مسؤل)، kbaygzade@yahoo.com

۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی

مقدمه

هویت از مفاهیم جامعه‌شناسی است که بحث‌ها و مناقشه‌هایی پیرامون آن انجام شده و انسان‌شناسان، فیلسوفان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان تعریف‌های متعددی از آن ارائه کرده و از زاویه دید خویش به آن نگریده‌اند. گیدنز به‌عنوان جامعه‌شناسی تلفیق‌گرا بر این باور است که موقعیت‌های اجتماعی، زمان و مکان و همچنین خودآگاهی، نقشی قابل توجه در شکل‌گیری هویت دارند (ن.ک: گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱). بر اساس رویکرد گیدنز^۱ هویت، پدیده‌ای انعطاف‌پذیر است که با تغییر زمان و مکان می‌توان در آن تجدیدنظر کرد. «هابرماس» معتقد است، هویت فرایندی تاریخی است که شخص در تعامل خود و مشارکت در فضای فرهنگی جدید به دست می‌آورد و به شکل هویت قومی، فراقومی یا سنتی نمود می‌یابد (گیدنز به نقل از هولاب، ۱۳۷۸: ۲۴۴). بنابر این، هویت یعنی «معانی ذهنی شامل ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک خود فردی یا اجتماعی و احساس تعلق و تعهد نسبت به آن خود است» (ابوالحسنی، ۱۳۸۶: ۳). افزون بر این مراتبی برای هویت در نظر گرفته شده که تقسیم هویت به فردی و اجتماعی شاخص‌ترین آن است. هویت فردی در معنای عام به معنی «چیستی و کیستی است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته‌شدن به چیزی یا جایی برمی‌آید. این حس تعلق داشتن، بنیادی ذاتی یا غریزی در وجود انسان دارد» (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۴۵). هویت جمعی نیز «ویژگی‌هایی است که باعث ایجاد "ما" می‌شود و این گروه را تحت عنوان "ما" یا "آن‌ها" از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد» (احمدلو، ۱۳۸۱: ۲۸). بنابر این، هویت جمعی بر اساس همسانی‌ها و شباهت‌هایی شکل می‌گیرد که بین افراد یک جامعه وجود دارد. در این امر نیز پندار افراد جامعه (ارزش‌ها، اعتقادات، باورها، هنجارها و احساسات) نقش اصلی را ایفا می‌کند. از این‌رو، هویت ملی و هویت دینی نیز در زیر مجموعه هویت اجتماعی قابل تعریف است، زیرا پندارهای افراد یک جامعه در شکل‌گیری این دو هویت نقش کلیدی و اصلی دارند.

جامعه‌شناسی ادبیات از شاخه‌های تخصصی علم جامعه‌شناسی است که تعاریف متعددی از آن شده است و هر یک بر جنبه‌ای از آن تأکید دارند، کسانی چون «دریدا»^۲، «رولان بارت»^۳ و

1 Giddens

2 Derrida

3 Roland Barthes

«گلدمن»^۱ در تعریف این علم، تأثیر ساختار اجتماعی را بر ذهن افراد در نظر دارند و بر آنند که «خالق اثر هنری جمع است؛ در خلق یک اثر، مؤلف می‌تواند یکی از عوامل یا فاعل‌ها باشد. فرامتن به اندازه نویسنده در آفرینش اثر نقش دارد. جامعه، مردم، تاریخ، فرهنگ، واقعیت زمانه، خوانندگان هر یک به اندازه مؤلف در شکل‌گیری اثر دخیل و سهمیم هستند» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۳۲۰) و نیز تحلیل محتوای اثر ادبی از رویکردهای جامعه‌شناسی ادبی است که جامعه‌شناس از محتوای اثر ادبی برای تبیین تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بهره می‌گیرد. اندیشه‌های «هانری زالامانسکی»^۲ آغازگر رویکرد محتوای برتر در جامعه‌شناسی ادبی است و معتقد است هویت را بر اساس واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی با تأکید بر محتوای آثار می‌توان شناخت، زیرا هر صاحب هنری در برابر مسائل جامعه خویش موضع می‌گیرد و تا حدودی به این مسائل پاسخ می‌دهد. بنابر این، در تحلیل آثار ادبی دوره‌های مختلف، افزون بر درک و دریافت پاسخ مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن زمان می‌توان دریافت که راهکار آن‌ها برای حل آن مسائل چه بوده است؟ و نیز زالامانسکی برای تکمیل رویکرد خویش معتقد به «جامعه‌شناسی انواع ادبی» است و بر این باور است «حسب این که با رمان، نمایشنامه یا شعر سروکار داشته باشیم، باید با پاسخ‌های متفاوتی روبه‌رو شویم. این پاسخ‌های متفاوت، کارکرد هر نوع-یعنی نحوه خاص برخورد با یک مسئله- را می‌سازند. همین پاسخ خاص برای ما در حکم ویژگی هر نوع است» (زالامانسکی، ۱۳۷۷: ۲۷۳-۲۷۴). این رویکرد تا حدودی در تقابل با نظریه گلدمن قرار گرفت، زیرا وی معتقد بود که در رویکرد زالامانسکی «از وجه زیبایی‌شناختی اثر هنری غفلت می‌شود» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۵۳)، اما نگارنده چنین برداشتی ندارد، چون در تحلیل محتوایی متن بر اساس زیبایی‌شناسی آن می‌توان به لایه‌هایی معنایی پی برد و چندلایگی زبان متن را شناخت.

مسئله تحقیق

ادبیات پایداری گونه‌ای از گونه‌های ادبی و برخاسته از آرمان، آزادگی و ایثارگری مبتنی بر دین‌ورزی و وطن‌دوستی است تا از هویت دینی یا ملی و یا هر دو در برابر هجمه‌هایی دفاع کند که به آموزه‌ها، آموخته‌ها، باورها و داشته‌های مادی و معنوی دینی و ملی یک ملت آرمانگرا،

1 Goldman

2 Henry Zalamansky

جگراور و اینارگر دستبرد زده‌اند. آنچه پیرامون دو عنصر اساسی، اصلی و حیاتی هویت دینی و ملی ارزش دانسته شده است، محتوا و درون‌مایه این گونه ادبی را می‌سازد. بنابر این، خاطره-داستان‌های دفاع مقدس، آثاری ادبی هستند که اغلب زبانی دور از پیچیدگی زبانی و ادبی دارند، اما محتوای فرهنگی، اجتماعی و درون‌مایه آن‌ها مبتنی بر عناصر سازنده هویت دینی و ملی است که از منظر جامعه‌شناسی ادبی قابل بررسی‌اند. یکی از نظریه‌های جامعه‌شناختی، نظریه جامعه‌شناختی محتواگرایی هانری زالامانسی است که بر تحلیل محتوا و درون‌مایه آثار ادبی تأکید می‌ورزد. بر این پایه محتوای این آثار می‌تواند واقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را آشکار و هویت فردی و اجتماعی افراد را تبیین کند. خاطره-داستان نورالدین پسر ایران خاطرات سیدنورالدین عافی از خاطره-داستان‌های دفاع مقدس است؛ نوجوانی شانزده‌ساله، اهل روستای خنجان تبریز در آذربایجان شرقی که سرسختانه پدر و مادر و مسئولان را برای اعزام به منطقه عملیاتی راضی کرد و از دی‌ماه ۱۳۵۹- تنها سه‌ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی- به جبهه‌های نبرد رفت. او حضور در گردان‌های خط‌شکن لشکر ۳۱ عاشورا را به‌عنوان نیروی آزاد، غواص و فرمانده دسته در محورهای مختلف جنگ تجربه کرده است. او که حدود هشتاد ماه در مناطق جنگی و عملیاتی حضور داشته، بارها زخمی و نیز برادرش سیدصادق در کنار وی شهید شده و خود جانباز هفتاد درصد است. پژوهش پیش‌روی عناصر ارزشی هویت دینی و ملی را با تکیه بر الگوی جامعه‌شناختی هانری زالامانسی در خاطره-داستان مورد مطالعه با رویکردی توصیفی-تحلیلی در پاسخ به این پرسش که چندی، چونی و چرایی عناصر هویت دینی و ملی در این خاطره-داستان کدامند؟ بررسی کرده است تا عناصر سازنده هویت دینی و ملی جامعه ایرانی را در خاطره-داستان نورالدین پسر ایران تبیین کند که بخشی مهم از حافظه فرهنگی و اجتماعی دوران دفاع مقدس است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در زمینه هویت ملی و دینی با تکیه بر آثار ادبی دفاع مقدس انجام شده است که عبارتند از: امیری خراسانی و حسن‌پور (۱۳۸۹) که مهمترین عوامل ایستادگی و پیروزی رزمندگان را بر دشمن مهاجم بررسی و ثابت کرده‌اند که هویت دینی و عرفانی برخاسته از اندیشه‌های امام^(ع)، انقلاب اسلامی، وحدت عقیدتی و عاطفی رزمندگان و خانواده‌های آن‌ها

عوامل اصلی پایداری در برابر دشمن و تقویت روحیه مقاومت بوده است. نوین (۱۳۹۰) مهم‌ترین محورهای اجتماعی- فرهنگی را در شعر پایداری بررسی کرده و معتقد است، مؤلفه‌های وطن‌دوستی، دفاع از اسلام، همراهی با مردم مظلوم جهان، نبرد با دشمنان داخلی و خارجی، به تصویر کشیدن صحنه‌های دفاع مقدّس، بیان رخداد‌های داخلی ایران، تفرقه‌افکنی و نفاق دشمنان داخلی و خارجی، فرصت‌طلبی سودجویان، نابودی ارزش‌های دفاع مقدّس و دنیاطلبی برخی مردم، مضامینی هستند که شعر اجتماعی دفاع مقدّس به آن‌ها پرداخته است. عباسلو (۱۳۹۱) برخی آثار ادبی را که بیانگر رابطه ادبیات با اجتماع بوده، بررسی کرده و تصویری زنده از جامعه روزگار خویش با پرداختن به مضامین اجتماعی ارائه کرده است. عاملی رضایی (۱۳۹۲) ساختار و مناسبات درون نهاد خانواده را در رمان اجتماعی و واقع‌گرای دهه شصت بررسی کرده و معتقد است که نویسندگان چارچوبی از مناسبات کلان اجتماعی را با روی آوردن به مسائل خانوادگی ارائه می‌کنند و براین باورند که روابط خانوادگی در رمان‌های دهه شصت، بازگویی روابط سنتی است. غلامی و علی‌زاده (۱۳۹۶) بر آن هستند که غرور ملی می‌تواند زمینه‌ساز حسّ مشترک ملی- میهنی بین شهروندان جامعه شود و برای اثبات این ادعا مفهوم غرور ملی را در هفت مرکز استان کشور به صورت پیمایشی بررسی کرده‌اند، اما پژوهشی مبنی بر تبیین هویت دینی و ملی در خاطره-داستان نورالدین پسر/ایران بر پایه نظریه محتوای برتر زالامانسکی دیده نشد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

محتوای خاطره-داستان‌های دفاع مقدّس دربرگیرنده عناصر هویت دینی و ملی است که نقشی راهبردی در پایداری آرمانگرایان تا مرز پیروزی و نیک‌بختی شهادت‌طلبان در نوزایی نگرش‌ها دارند. بنابر این، شناخت محتوای فرهنگی و اجتماعی خاطره-داستان‌های دفاع مقدّس مبنی بر هویت ملی و دینی اهمیت بسزایی دارد، زیرا نسل امروزی، گذشته خویش را در آینه زمان می‌نگرد، از این آثار درس می‌گیرد و پایداری می‌آموزد.

بررسی موضوع

نگاهی برخاسته از انقلاب اسلامی، هویت دینی و ملی ما را متأثر از آموزه‌های دینی تبیین و تعریف کرده است، چنان‌که «در رمان دفاع مقدّس، کمتر سخن از ایده‌ها و اندیشه‌های

ملی‌گرایانه و ناسیونالیستی است، بلکه بیشتر به تبع ماهیت انقلاب اسلامی و استکبارستیزی آن، مبارزه سمت‌وسویی دارد و مهم‌ترین عامل پیوند لایه‌های مختلف مردم، هویت دینی است» (امیری خراسانی و حسن‌پور، ۱۳۸۹: ۳۴). خاطره-داستان *نورالدین پسر ایران* هشت‌سال تاریخ دفاع مقدس را که بخشی از تاریخ معاصر ایران است، با ساختاری ساده روایت کرده است. محتوای این اثر بیانگر هویت دینی و ملی ماست و به‌عنوان سندی اجتماعی جایگاهی قابل توجه دارد. هانری زالامانسکی بر آن است که «اثر ادبی در جایگاه یک سند اجتماعی است. بنابر این هر چه ساختار اثر ساده و وجه اجتماعی آن آشکار باشد، حصول نتیجه جامعه‌شناختی از آن سریع‌تر میسر است» (زالامانسکی، به نقل از عسگری حسنکلو، ۱۳۸۷: ۵۱). بنابر این، پژوهش پیش‌روی خاطره-داستان مورد مطالعه را به‌عنوان یک سند اجتماعی بر پایه نظریه جامعه‌شناختی محتواگرای زالامانسکی با هدف تبیین و تحلیل چندی، چونی و چرایی عناصر هویت دینی و ملی کاویده است.

اثرپذیری از الگوهای دینی و مذهبی

گذشته‌شناسی از بنیان‌هایی است که هویت بر پایه آن شکل می‌گیرد، این رویکرد در خاطره-داستان *نورالدین پسر ایران* با الگوگیری از اسوه‌های دینی و مذهبی نمود می‌یابد؛ الگوسازی از عناصر هویت‌ساز در تکمیل شخصیت و هویت اجتماعی است و الگوهای دینی و مذهبی اساس هویت در فرهنگ ایرانی-اسلامی‌اند، زیرا «دین امری به حد اعلا اجتماعی است و تصورات دینی، تصوراتی جمعی‌اند و بیانگر واقعیت‌های جمعی» (دورکیم، ۱۳۸۳: ۱۳). بنا بر این، هویت دینی در چارچوب باورهای دینی و مذهبی شکل می‌گیرد و انسان مسلمان بر اساس ایدئولوژی و جهان‌بینی به سوی هدف‌های متعالی حرکت می‌کند. این رویکرد در خاطره-داستان *نورالدین پسر ایران* به شکل‌هایی گوناگون نمود دارد که رزمندگان دفاع مقدس به تناسب بافت سیاسی و اجتماعی ایران اسلامی از الگوهای دینی و مذهبی اثرپذیر بوده‌اند. اقتدا به امام حسین (ع) و بزرگداشت قیام عاشورا، برجسته‌ترین عنصر هویت‌ساز در خاطره-داستان *نورالدین پسر ایران* است که نشان می‌دهد، این اقتدا و بزرگداشت «فراتر از یک واقعه تاریخی است و در میان گروه‌های شیعه حتی در کشوری مثل آمریکا یکی از عناصر اصلی ابراز هویت به‌شمار می‌آید» (تکیم، ۱۳۸۴: ۱۸۱). رزمندگان دفاع مقدس با گرامیداشت یاد امام حسین (ع) و ظلم‌ستیزی او،

بین دو رخداد بزرگ (قیام عاشورا و دفاع مقدس) ارتباطی تنگاتنگ برقرار کردند و رشادت‌های خویش را در جبهه الهام‌گرفته از واقعه عظیم عاشورا می‌دانستند. سیدنورالدین عافی هنگامی که خاطرات دوران دفاع مقدس را بازگو می‌کند، پیوسته از حال‌وهوای عاشورایی جبهه‌ها پیش از عملیات سخن می‌گوید (ر. ک: ص ۴۸۱، ۲۵۲، ۱۴۲، ۲۵). که نمایانگر توجه‌اش به رخداد کربلاست. توصیف حال‌وهوای عاشورایی جبهه در شب پیش از عملیات «کربلای چهار» (ر. ک: ص ۵۳۰، ۵۳۱) نشان می‌دهد، رزمندگان با الهام از سرچشمه فرهنگ عاشورا برای تکمیل شخصیت دینی و اجتماعی خود تلاش کرده‌اند: «صدای حزین مداح محبوب بچه‌ها بود که «غواصان» را می‌خواند: لای‌لای ای جبهه لرین یورغونی ای خسته جوانان/ لای‌لای ارون‌دکنارینده قیزیل قانه باتانلار/ خوش یاتین یاخشی یاتپ سیز/ یاخشی باش فیکرین آتپ سیز^(۱) بعضی‌ها همدیگر را بغل کرده و سر بر شانه هم گذاشته بودند، از هم حالیت می‌خواستند و وداع می‌کردند» (سپهری، ۱۳۹۱: ۵۳۰، ۵۳۱). رزمندگان در دفاع مقدس دو بال حرکت داشتند، یکی نشستن بر سفره معنوی کربلا با هدف الگوپذیری از شهیدان عاشورا و دیگری پایداری در برابر دشمن بعثی.

نامگذاری یگان‌های رزمی و عملیات آفندی در دفاع مقدس با نام‌هایی چون: عاشورا، کربلا، ابوالفضل، امام حسین (ع)، علی‌اکبر، علی‌اصغر و ... بیانگر هویت دینی رزمندگان، و نشانه نقش مذهب شیعه در شکل‌گیری هویت دینی و ملی است، چون «مذهب تشیع از عوامل بسیار قوی در ایجاد هویت ملی بوده و هویت ایرانی با آیین تشیع پیوندی جدایی‌ناپذیر پیدا کرده است» (کفاش، ۱۳۸۴: ۸۳). البته همان‌گونه که اشاره شد؛ بافت سیاسی، اجتماعی و تاریخی در این رویکرد اثرگذار بوده است، چون پشتیبانی قدرت‌های جهان از دشمن بعثی و مظلومیت ایران باعث شد تا حادثه عاشورا برای شیعه تداعی شود و مخاطب را به درک درستی از اندیشه‌های راوی خاطره-داستان برساند، «همان چیزی است که امروزه در نظریه‌های ادبی جدید مطرح می‌شود: متن^۱ در بافتی از زمینه یا فرامتن^۲ قرار دارد که خودآگاه یا ناخودآگاه تحت تأثیر آن است و یک متن را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن این زمینه تحلیل کرد» (عاملی رضایی، ۱۳۹۴: ۶۴). الگوپذیری رزمندگان دفاع مقدس از اسوه‌های دینی و مذهبی در صفحات ۲۵، ۱۴۲ و ۱۵۲

1 text
2 context

الگو پذیری از امام حسین(ع)، در صفحات ۲۵۲، ۲۵۷، ۳۷۶، ۳۷۷ به‌طور کلی به ائمه (ع) و روحیه پایداری آن‌ها در برابر ظلم و زورگویی اشاره شده است، در صفحه ۳۸۰ از حضرت ابوالفضل(ع) الگوپذیری شده و در صفحه ۴۲۷ از امام رضا(ع) الگوپذیری گردیده و در صفحات ۴۴۹، ۴۸۱، ۵۱۲ مجدد از امام حسین(ع) و شیوه زندگی ایشان تأسی شده که برخاسته از آینه روزگار و تاریخ و فرهنگ ملت ایران، رزمندگان و ایثارگران دفاع مقدس است.

عمل‌گرایی دینی و مذهبی

هویت دینی با فاصله گرفتن از گذشته تاریخی و فرهنگی یک ملت امکان پذیر نیست؛ زیرا نیاز تکاپوی آینده، شناخت گذشته و نگاه به آن است. هویت دینی عامل اساسی شکل‌گیری جامعه ایرانی در طول تاریخ پرفراز و نشیب بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و رویداد جنگ تحمیلی، دین به کانون وحدت و هویت ملت ایران تبدیل شد و عمل به آموزه‌های دینی و آیین‌های مذهبی، محتوایی دیگر از خاطره-داستان نورالدین پسر ایران است که علاوه بر تبیین هویت دینی رزمندگان دفاع مقدس، حس عاطفی، آرامش روانی و سکینه خاطر به آن‌ها می‌دهد. زالامانسکی بر آن است که «از محتوای کتاب‌ها می‌توانیم پی ببریم که چه چیزی برای انباشتن ذهن معاصران عرضه شده است و محیط زندگی فکری آنان را می‌آفریند؛ به همین سبب، بررسی محتوا، عاجل‌ترین وظیفه جامعه‌شناسی ادبیات است» (زالامانسکی، ۱۳۷۶: ۲۷۲). افزون بر این، هویت معانی ذهنی است که بخشی از آن شامل ارزش‌ها، هنجارها و باورهاست که در زمره عناصر تشکیل‌دهنده هویت هستند. بر این اساس، پایبندی به اصول دینی (توحید، معاد، نبوت، عدل و امامت)، انجام فرایض دینی (روزه و نماز، حج و جهاد، خمس و زکات، تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر)، آیین‌های مذهبی و توجه به مستحبات مانند حضور در مسجد و انجام فریضه نماز به جماعت، شرکت در دعا‌های کمیل، ندبه، زیارت عاشورا و ... زیارت بارگاه معصومین (ع) و بزرگان دینی و معرفتی، یاد شهیدان اسلام و هم‌زمان شهیدشان و ... بیانگر محیط فرهنگی و اجتماعی رزمندگان ایرانی است که حتی در روزهای سخت آموزش نظامی بخشی از زندگی شخصی نورالدین عافی و دیگر رزمندگان بوده است (ر. ک: سپهری، ۱۳۹۱: ۵۱۲).

رزمندگان و شهیدان خواسته و آرزوی شخصی در رازونیز با خداوند ندارند، بلکه «هدف آن گفت‌وگویی خالصانه و عاشقانه است که شهید و رزمنده در آن از عهد و پیمان خود با خداوند و عجز و ناتوانی خود در مقابل او سخن می‌گوید» (محمودی و قربانی، ۱۳۹۵: ۳۶۰). انجام آیین‌های عبادی در جبهه افزون بر آفریدن فضای معنوی، نشانه نظم و انضباط رزمندگان دفاع مقدس در زندگی جبهه و پشت جبهه است که با بهره‌گیری از این تربیت دینی و اجتماعی بسیاری از مشکلات جبهه و جنگ را حل می‌کردند.

مساجد و مکان‌های برگزاری نماز جماعت و آیین‌های مذهبی از محورهای هویت دینی است، زیرا فلسفه وجودی محراب و مسجد معطوف به توجه افراد مؤمن علاوه بر دشمن بیرونی و متجاوز، سرکوبی نفس و دشمن درونی است، چنان که حضرت ختمی مرتبت فرمود: «رجعنا من الجهاد الأصغر إلى الجهاد الأكبر» (عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۱، أبواب جهاد النفس، باب ۱، ح ۱). بنابر این، نخستین گام مبارزه با ظالمان در نماز جماعت برداشته خواهد شد که نمادی از انسجام، وحدت و نظم است. این مشخصه همواره در خاطرات سیدنورالدین عافی نقل شده و از شناسه‌های هویت رزمندگان بوده است (ر. ک: سپهری، ۱۳۹۱: ۱۵۲)، چنان که این رویکرد در خاطره - داستان نورالدین پسر ایران نشان می‌دهد، «آفریننده واقعی آثار هنری، طبقات اجتماعی و گروه‌های مردمی هستند و جهان‌بینی آنهاست که در اثر ادبی نمود پیدا می‌کند» (لوی و لعیب، ۱۳۷۶: ۴۲). موضوعات و مضامین مورد اشاره در صفحات، ۱۳ شرکت در نماز جماعت، ۱۴ و ۳۰ حضور در نماز جمعه، ۲۵ زیارت عاشورا، ۳۷ دعای ندبه، ۴۲، ۵۲۶، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۸۲، ۵۸۸ و ۶۱۶ خواندن نماز، ۶۶ شرکت در نماز جماعت، ۶۷ خواندن نماز، ۱۷۷ شرکت در نماز جماعت، ۱۱۳ برگزاری دعای کمیل، ۱۱۴ زیارت عاشورا، ۱۴۲ خواندن نماز صبح، ۱۵۲ رفتن به مسجد و خواندن نماز مغرب و عشاء، ۲۲۹ خواندن نماز در بیمارستان، ۲۴۵ خواندن نماز جماعت در مسجد، ۲۴۷ زیارت عاشورا، ۲۵۲ خواندن نماز، ۲۵۶ دعا و رازونیز با خداوند، ۲۵۷ خواندن ذکر، ۲۶۱ شرکت در نماز جماعت، ۲۶۲ شرکت در مراسم روضه، ۲۷۰ عزاداری برای امام حسین (ع)، ۲۸۷، ۳۳۳، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۶، ۳۹۳، ۴۰۰، ۴۲۷، ۴۳۸ زیارت مرقد امام رضا (ع)، ۴۴۹ یکتاپرستی، ۴۸۱ توسل به ائمه (ع)، ۴۸۵ دعا و رازونیز شبانه با خداوند، ۴۹۱ خواندن نماز در پشت خاکریز، ۴۹۳ توسل به امام حسین (ع)، ۵۱۲ زیارت

عاشورا، ۵۱۳ زهد و دنیاگریزی، ۵۳۰ رفتن به مسجد، ۵۲۹ و ۵۷۸ ذکر خداوند خاطره-داستان مورد مطالعه آمده است که عمل‌گرایی دینی و مذهبی رزمندگان را تبیین می‌کند.

نقش و کارکرد نمادهای دینی و ملی

نمادهای دینی و ملی، نقشی ارزنده در تبیین هویت دینی و ملی دارند. رادفر (۱۳۸۸: ۴۲) بر آن است که ارزش‌های مشترک جامعه، مؤلفه‌های هویت ملی را شکل می‌دهند و دین و مذهب مهم‌ترین نقطه اشتراک است که نقش مهمی در شکل‌دهی به ارزش‌ها و هنجارهای فردی و اجتماعی ایفا کرده‌اند. زالامانسکی (۱۳۷۶: ۲۷۲) بر آن است که تعیین محتوای عقیدتی مجموعه‌ای از آثار در دورانی معین با تکیه بر محتوای برتر از شگردهای جامعه‌شناسی ادبیات است و گلدمن نیز آن چیزی را در ادبیات می‌پذیرد که بازتاب آگاهی جمعی است و بر آن تأثیر می‌گذارد که با روش زالامانسکی متفاوت است، چون زالامانسکی رویکرد جامعه‌شناسی محتوا و درون‌مایه‌ها را برگزیده است و تعیین محتوای عقیدتی و ایدئولوژیک آثار ادبی، نمونه بارز آن است. بر این اساس ایرانیان هویت ملی خود را بیشتر از دین اسلام و بعدها مذهب شیعی بازیافته‌اند و تأثیر آن در تبیین هویت ملی و دینی رزمندگان نقش داشته است. هویت در خاطره-داستان نورالدین پسر/ایران نیز متأثر از این رویکرد است. مسجد، نمادی دینی است که عناصر و اجزای آن وحدت جامعه اسلامی را تبیین می‌کند و علاوه بر مناسک دینی، نقشی راهبردی در انجام سایر فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دارد. نقش مسجد در بسیج و سازماندهی نیروهای اعزامی و جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای رزمندگان بسیار مهم بوده و این مکان در جنگ تحمیلی هویتی تازه پیدا کرده است که با هویت دینی و ملی ارتباطی دوسویه دارد.

نورالدین عافی به نقش برجسته مسجد در برقراری روابط اجتماعی اشاره کرده و بر آن است که بسیاری از دوستی‌های خالصانه و پاک هنگام نمازهای جماعت و دیدارهای روزانه در مسجد شکل گرفته است: «مساجد میزبان جمع باصفای بسیجی‌ها. مساجدی که برای این کار پیشقدم می‌شدند گاه کل نیروهای یک گردان را دعوت می‌کردند. گاهی با مشارکت مردم شام تدارک می‌دیدند؛ سفره‌های بلندی که بچه‌ها دورش می‌نشستند، آدم را به فضای جبهه می‌برد» (سپهری، ۱۳۹۱: ۱۸۸). عیده‌های دینی و ملی نماد هویت هستند و نورالدین عافی این عیده‌ها را در روایت خود تبیین کرده است تا پابندی ایثارگران را به هویت خویش نشان دهد، چنان‌که رزمندگان

عید نوروز را در جبهه‌های جنگ برگزار می‌کردند: «روز تحویل سال ۱۳۶۰ صبح همه بچه‌ها دور سفره عید جمع شده و منتظر تحویل سال نو بودند، حدود ساعت یازده صبح بود، آن روز فکر می‌کردم، این اولین عید من دور از خانه و در منطقه جنگی است» (سپهری، ۱۳۸۸: ۴۷). زیارت رویکردی مذهبی است که نقش مهمی در شکل‌دهی و بازشناخت هویت ایرانی دارد، زیرا عامل وحدت قومیت و مذهب است، چنان‌که زیارت معصومین (ع) نقشی شایسته در تبیین هویت ایرانی دارد و «چنین اعمالی به‌صورت طبیعی نوعی همگرایی و نزدیکی بین عوام و خواص ایجاد می‌کند و در درازمدت در رسمی‌شدن تشیع به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم در شکل‌گیری هویت ایرانی مؤثر بوده است» (رضایی، ۱۳۹۵: ۱۴). بارگاه امام رضا (ع) چون در ایران است، رزمندگان دفاع مقدس قبل از شهادت به ساحت مقدس او دخیل می‌بستند تا با مددجستن از آن بزرگوار و در آرامش کامل روانه راهی شوند که انتخاب کرده‌اند. البته عشق به زیارت امام رضا (ع) در وجود همه ایرانیان هست، اما موجی متفاوت در نظر شهیدان و رزمندگان داشته است که آن‌ها را به جبهه‌های جنگ کشاند تا خونشان پاسدار دین و عشق به اهل بیت (ع) باشد. نورالدین بر آن است که شهیدان از حرم آغاز کردند، محرم راز شدند، راز گشودند و پس از حماسه‌ای عاشورایی به حرم بازمی‌گشتند. البته این بار بر شانه مردم که گویی می‌خواستند، لبخند رضای امام را ببینند و پس به مزار خویش بروند: «قرارمان این بود هر روز سه‌بار به حرم برویم و همه نمازهایمان را در حرم بخوانیم. مشرف‌شدن به زیارت امام هشتم (ع) با این بچه‌ها صفای دیگری داشت» (سپهری، ۱۳۹۱: ۴۴۰).

محتوای ایدئولوژیک خاطره-داستان نورالدین پسر ایران «نویسنده یا راوی را در مقام یک فرد مطرح می‌کند و او مخاطب را با الگوهای عقیدتی‌ای آشنا می‌سازد که برای تأثیرگذاری بر آگاهی خوانندگان به آنان عرضه شده است» (زالامانسکی، ۱۳۷۶: ۲۷۳). فضیلت زیارت بارگاه رضوی برای بهره‌گیری از آموزه‌های معنوی، تربیتی و اخلاقی آن، بارها در خاطره-داستان نورالدین پسر ایران مورد توجه بوده است. چنین رویکردی بیانگر هویت دینی شیعیان است که در احادیث نیز بازتاب داشته و بر آن تأکید شده است: «مَنْ زَارَنِي عَلَيَّ بُعِدَ دَارِي وَمَ زَارِي أَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُحَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا: إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا، وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ»^(۲) (صدوق، ۱۳۳۸، جلد ۲: ۵۰۶). هر گاه سیدنورالدین عافی از شهادت هم‌زمانش و بازماندن از خیل شهیدان دلگیر و ناراحت می‌شود، تنها جایی که به او آرامش

می‌دهد، حرم امام رضا (ع) و توسل به ساحت مقدس آن بزرگوار است: «چاره را در این دیدم که خدمت امام رضا (ع) برسم و حال و روزم را به امام عرضه کنم، با اتوبوس خودم را به مشهد رساندم. السلام علیک یا غریب‌الغربا» (سپهری، ۱۳۹۱: ۴۲۷). نقش و کارکرد نمادهای دینی که عمده آن‌ها مسجد است در صفحات ۳۰، ۳۷، ۴۷، ۶۶، ۶۷، ۴۲، ۱۱۳، ۱۳۴، ۱۱۴، ۱۷۷، ۲۰۱، ۲۵۹، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۶، ۳۹۳، ۴۳۸، ۴۸۱، ۴۸۵، ۴۹۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۲۶، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۸۲، ۵۸۸ خاطره-داستان نورالدین پسر ایران نیز آمده است که بسامد بالای عناصر دینی و تأکید راوی بر آن معطوف به توجه وی به هویت دینی است.

افزون بر نمادهای دینی، نمادهای ملی نیز در این خاطره-داستان مورد توجه است و مناطق عملیاتی نمودی از این نمادهاست؛ منطقه‌های عملیاتی که نبردهای سرزمینی در آن انجام شده، نمادی از خودباوری رزمندگان دفاع مقدس است. پیرانشهر، سومار، گیلان غرب، شوش، خرمشهر، اروند، سوسنگرد، هویزه و ... مناطقی هستند که در تیررس حملات دشمن بعثی بودند و در سال‌های جنگ خسارت زیادی را تحمل کردند، اما به‌عنوان نماد پایداری و فداکاری ایرانی شناخته شده‌اند. «علی پاشایی در خط شلمچه در حالی که برای وضو رفته بود با اصابت ترکش به شهادت رسیده بود. آن روزها قرار بود او برای اعزام به حج به شهر برگردد، بقیه بچه‌هایی که اسم‌شان برای حج در آمده بود، برگشته بودند اما او امروز و فردا می‌کرد و ... بالاخره در همان خط به خدای خانه رسید» (همان: ۵۷۳).

شهادت‌طلبی؛ نوزایی آگاهانه:

اسطوره‌ها از مؤلفه‌های هویت در این خاطره-داستان هستند که شناخت نموده‌های آن‌ها گونه‌ای از گذشته‌شناسی است. اسطوره نوزایی از شاخص‌ترین اسطوره‌هایی است که در خاطره-داستان نورالدین پسر ایران نمود بسیاری دارد. انسان در لحظه تولد به حیات مادی تجسد می‌یابد و به‌هنگام تشرّف وارد زمان مقدس می‌شود (ر. ک: اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۶۹ و ۷۰). این اسطوره در فرهنگ اسلامی در قالب شهادت‌طلبی مطرح می‌شود. فرهنگ شهادت‌طلبی از آموزه‌های دینی مؤثر در تبیین هویت ایرانی است که مبنای آن ارزش‌های اسلامی و معنویت‌گرایی دینی است و «طبق تئوری سازه‌انگاری که حیات اجتماعی را به‌طور مطلق در ابعاد مادی محدود نمی‌سازد، بلکه آن را یک کنش انسانی و معنادار می‌داند که به شرایط مادی شکل می‌بخشد، مردم به

مادیات کمتر توجه داشتند» (درزی کلایی و آقاحسینی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). این رویکرد دینی و معنوی پس از انقلاب اسلامی نمود بارزتری یافت، زیرا انقلاب اسلامی به اندیشه‌های مادی متکی نبود، بلکه استعدادهای معنوی را با تکیه بر ارزش‌های اسلامی شکوفا کرد. جامعه‌شناسی ادبیات به‌صراحت تمام، فاعل آفرینش‌های فرهنگی را نه یک فرد، بلکه جهان‌بینی یک جمع می‌داند که نویسنده به‌عنوان فردی برخاسته از میان جمع به جهان‌بینی آن جمع تجسم می‌بخشد» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۳۲۱). سیدنورالدین عافی هنگام بازگویی خاطرات دفاع مقدس، روحیه شهادت‌طلبی و ایثارگری رزمندگان دفاع مقدس را نشان می‌دهد که این رویکرد متأثر از آموزه‌های مذهب تشیع و مکتب عاشورا است که هویت ایرانی را بازتعریف کرده است: «در آن شبی که با تانک‌ها سینه‌به‌سینه شدیم، شهادت باصر و صدای گلوبی که نوحه‌خوان اهل بیت (ع) بود، ... علی تجلایی که از مغزهای متفکر جنگ و قرارگاه خاتم بود و در بدر مثل یک بسیجی گمنام در جمع ما بود و شهادت فرمانده دلاور عاشورا آقا مهدی باکری و ...» (سپهری، ۱۳۹۱: ۳۲۳).

تکیه بر عقیده و ایمان و معنویت در قاموس انقلاب اسلامی ایران برای ساختن انسانی آرمانی با تکیه بر آموزه‌های دینی و قرب الی الله است؛ «فرهنگ شهادت‌طلبی با ایجاد تحولی شگرف در ابعاد فردی و اجتماعی، معنویت و الوهیت را در جامعه زنده کرد و با ایجاد تحولی درونی در جامعه، اخلاق فردی، دینی و اجتماعی مردم را به سوی آگاهی، رشد و بالندگی سوق داد» (دهشیری، ۱۳۸۰: ۱۱۱). اشاراتی که در خاطره-داستان نورالدین پسر ایران بازتاب دارد، نشان می‌دهد، شهادت‌طلبی رزمندگان دفاع مقدس بازتعریف هویت ایرانی با پشتوانه ارزش‌های دینی و معنوی انقلاب اسلامی است. اشتیاق رزمندگان دفاع مقدس در شب عملیات «بدر» و حنابستن دست‌هایشان در این شب، بیانگر رفتن به استقبال شهادت است، رزمندگان در شب‌های عملیات با این طرز تفکر که در صورت شهید شدن، آرزوی زیارت حرم امام حسین (ع) و حرم حضرت ابوالفضل (ع) برای آنان برآورده خواهد شد و می‌خواستند با رویی گشاده به زیارت بروند و به همین خاطر حنا گذاشتن به روی دست و خوشبو شدن از اعمال رایج آن هنگام و هنگامه است (ر. ک: سپهری، ۱۳۹۱: ۲۵۴، ۲۵۵).

خاطره‌هایی که سیدنورالدین عافی در باب شهیدان و فرهنگ شهادت نقل می‌کند، بیانگر آن است که انقلاب اسلامی زیستی دیگر به جامعه آموخت که تحول بینشی، روشی و منشی ایرانیان ارمغان آن باشد که در گذشته ایران بی‌سابقه است، چون در تاریخ گذشته ایران حادثه‌ای (دوره

هشت‌ساله دفاع مقدس) چنین با این جهان‌بینی و نگاه اسلامی و مضامین فرهنگ دینی تحقق نیافته بود. انقلاب اسلامی مضامین قرآنی، شور شیعی و بارزتر از هر چیز، فرهنگ عاشورا در تاروپود جامعه دمیده است، شهادت حیات و تپشی نو به جامعه بخشید و صحنه‌هایی در هشت سال پایداری و دفاع رقم زد که هیچ زبان و قلمی قادر به توصیف آن نیست. بیان این مضامین در خاطره-داستان نورالدین پسر/ایران نشانه پیوند متن خاطره-داستان با گرایش فکری حاکم بر جامعه ایران در سال‌های دفاع مقدس است و این رویکردی است که زالامانسکی در نظریه جامعه‌شناسی خویش همواره بر آن تأکید کرده است: «جامعه‌شناسی ادبی، محتوا و درونمایه مطرح در آثار ادبی را به‌مثابه وسیله‌ای برای بررسی میزان انعکاس تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطالعه می‌کند، از این رهگذر می‌توان به پیوندی که میان متن ادبی و گرایش‌های فکری و طبقاتی رایج در جامعه وجود دارد، پی برد (زالامانسکی، به نقل از عسگری حسنگلو، ۱۳۸۷: ۵۱). مضامین شهادت‌طلبی، ایثار و فداکاری بارزترین تفکری است که هویت دینی و ملی را در سال‌های جنگ تحمیلی بازتعریف کرد و خاطره-داستان نورالدین پسر/ایران در صفحات: ۲۲، ۷۸، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۷، ۲۲۰، ۲۲۸، ۲۴۶، ۲۵۵، ۲۸۱، ۳۲۸، ۲۷۸، ۲۸۲، ۳۳۳، ۳۷۹، ۳۷۳، ۳۸۸، ۴۰۲، ۴۱۷، ۴۲۸، ۴۴۹، ۴۹۳، ۴۹۷، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۲۷، ۵۲۹، ۵۵۱، ۵۴۱، ۵۳۱، ۵۶۷، ۵۴۲، ۵۶۸، ۵۷۳، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۹۵ و ۶۰۳ عنصر شهادت‌طلبی را تبیین کرده است.

وطن‌دوستی هویتی دینی و ملی

عشق‌ورزی به ایران از عوامل مشترک ایجاد همبستگی اجتماعی و سیاسی میان ایرانیان است که سندی اجتماعی برای تبیین و تعریف هویت ملی است، زیرا انسان‌هایی که احساس تعلق به یک سرزمین دارند، در شادی‌ها و غم‌های یکدیگر احساسی همسو و هدفمند دارند و همگی برای رسیدن به آرمانی مشترک تلاش می‌کنند. بر این اساس، میهن‌دوستی از عوامل هویت ملی مبتنی بر دین‌ورزی است که همبستگی ملی را فراهم می‌آورد، چون «در تطابق اندیشه‌های ملی و دینی با طرح روایت حب‌الوطن من‌الایمان به قول شارع مقدس و دین اسلام سبب شد تا ایرانیان در چشم‌انداز عشق به میهن، آرمان‌های دینی را مدنظر قرار دهند» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۶۸). مفهوم میهن نزد مردم ایران از روزگاران کهن شناخته شده است و

نیاکان ما با برداشت‌های عقلانی از طبیعت و جغرافیای انسانی به حد و رسم فرهنگی، سیاسی و تاریخی میهن خود آشنا بوده و آن را دوست داشته و از آن پاسداری کرده‌اند و با آن که دشمنان بیگانه با یورش‌های اهریمنی خود به قصد تصرف و اشغال این سرزمین کهن سال تاخته و دوره‌های سیاهی را بر بخشی از تاریخ ایران تحمیل کرده‌اند، اما هرگز نتوانسته‌اند، مهرورزی مردم این دیار را نسبت به زادگاه خود نابود کنند، چنان‌که ادب فارسی میهن‌دوستی را به تصویر کشیده و در دیوان‌های شعری و یا آثار ادبی که از قرن‌های گذشته بر جای مانده است می‌توان به اندازه و میزان آن پی برد.

دفاع مقدس تبلور پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی برخاسته از شجاعت مردم در جغرافیای ایران، میهن‌دوستی، شهادت و ایثار کسانی است که در بازتعریف هویت ملی مؤثر بودند. هجوم دشمن بعثی، ایادی منطقه‌ای و استکبار جهانی به خاک ایران، حس میهن‌دوستی را مبتنی بر بافت سیاسی و اجتماعی در میان مردان و زنان ایرانی با هر رنگ و نژاد بیدار کرد. «در رویکرد جامعه‌شناسی محتواها با صورت‌بندی و استخراج محتوا و درون‌مایه‌های آثار ادبی و بررسی و رده‌بندی آن‌ها، مصالح لازم برای بررسی جامعه‌شناختی آثار ادبی فراهم می‌شود» (زالامانسکی، ۱۳۷۷: ۳۲۲). چون «هر نویسنده به مجموعه‌ای از پرسش‌ها و نیازهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی فلسفی زمانه خود پاسخ می‌دهد، بنابر این با بررسی محتوای آثار خلق‌شده در یک دوره خاص می‌توان دریافت که مسائل هر دوره در متون ادبی چگونه طرح شده‌اند» (زالامانسکی، ۱۳۷۷: ۳۲۲). بنابر این، عمده محتوای خاطره-داستان نورالدین پسر/ایران نیز بیانگر آن است که حفظ تمامیت ارضی ایران و عشق ورزیدن به آن از شاخص‌های مهم هویت ملی در خاطره-داستان است که چندی، چونی و چرایی حضور سیدنورالدین عافی در جنگ نمود بارز آن است. چگونگی آغاز ورود نورالدین به جنگ نیز بر اساس همین رویکرد وطن‌دوستی وی صورت می‌گیرد، هنگامی که از رادیو اتوبوسی در تهران، خبر شروع جنگ و اشغال شوش را می‌شنود، بی‌قرار و آشفتگی می‌گردد و می‌خواهد به هر طریقی خود را به منطقه برساند (ر. ک: سپهری، ۱۳۹۱: ۲۷، ۲۶). افزون بر این، صحنه‌هایی که سیدنورالدین عافی از دلاوری‌های رزمندگان در دفاع از وطن نقل می‌کند، نشانه‌هایی از حس میهن‌دوستی در نهاد آن‌هاست: «پاتک‌های دشمن با هدف پس‌گیری بلندی‌های «سلمان کشته» بود، اما مقاومت بچه‌ها جانانه بود و نتوانسته بود کاری از پیش ببرد ... زیر فشار شدید بودیم، خبر شهادت می‌رسید و

اوضاع غریبی بود» (همان: ۱۱۹). رزمندگان دفاع مقدس برای این که خاک وطن به دست بیگانگان نیفتد، جسورانه به کام دشمن می‌رفتند، مردانی آسمانی که در دفاع از مرزهای کشور از هیچ کوششی فروگذار نکردند و برپایه آموزه‌های دینی و ملی گام در نبردی نابرابر با دشمن متجاوز نهادند و از تمامیت ارضی و حقانیت آرمان‌های نظام اسلامی در برابر دشمنان کشور دفاع کردند: «عراقی‌ها رو از پشت قیچی کردن!، نمی‌دانم اگر بچه‌های گروهان ما آنطور مظلومانه به کام دشمن نمی‌رفتند، طرح قیچی کردن دشمن به ثمر می‌رسید یا نه؟» (همان: ۴۱۰).

دفاع مقدس رساترین واژه در قاموس میهن‌دوستی رزمندگان است، خاکریزها جایگاه ابدی و بهشت مردانی است که شهید می‌شدند تا خاک میهن به دست متجاوزان نیفتد؛ سیدنورالدین عافی جانفشانی رزمندگان را در عملیات کربلای چهار (ص ۴۴۹) بازگو می‌کند که یکی از هزاران صحنه ایثار و جانفشانی است و نیز حضور نورالدین عافی در جنگ بیانگر روحیه میهن‌دوستی وی است؛ جبهه پیرانشهر و مهاباد (۳۰، ۳۵، ۳۶، ۷۶)، خرمشهر (۱۰۸، ۱۱۵، ۱۴۹)، اروند (۱۵۵، ۱۸۲، ۱۹۷)، دزفول (۲۰۴، ۲۲۷، ۲۵۴)، اندیمشک (۳۴۲، ۳۵۵، ۴۴۵، ۴۹۸، ۵۳۶، ۵۶۰، ۵۹۰، ۶۱۴)، سومار و گیلانغرب (۴۱۳، ۴۲۹) نشانه وطن‌دوستی رزمندگان است. زالامانسکی می‌گوید: «استعداد نویسنده به او امکان می‌دهد که حال‌وهوای رویداد یا دوره‌ای را توصیف کند و واقعیتی را دریابد که از عینیت سرد و سطحی گزارش‌های خبری می‌گریزد» (زالامانسکی، ۱۳۷۶: ۲۷۵). رویکردی که در این خاطره-داستان پیرامون وطن‌دوستی و هویت میهنی بیان می‌شود، در همین راستاست و بخشی از محتوای خاطره-داستان که از مناطق عملیاتی نام می‌برد، مبتنی بر شناخت هویت دینی و ملی است.

دیگری، دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی

خاطره-داستان نورالدین پسر/ایران، تصویر یک زندگی بر بستر واقعیت است و نویسنده و روای تمامیت جامعه ایرانی را بر اساس واقعیت‌های آن ترسیم کرده‌اند و خاطره-داستان جای تاریخ را گرفته است و حتی از آن فراتر می‌رود، چون محتوای آن از نگاه جامعه‌شناسی ادبی، بخشی از هویت مردم این جامعه را نشان می‌دهد که تاریخ‌قادر به بیان آن نیست، اما نگارنده و روای آن را یک موضوع جدا از جامعه تصور نکرده، بلکه نظامی از ساحت‌های جامعه ایرانی دانسته‌اند. دشمن‌شناسی، دشمن‌ستیزی و پایداری در برابر دشمن از عناصر هویت دینی و ملی است که در

خاطره-داستان نورالدین پسر ایران بازتاب یافته است. می‌توان گفت این عنصر، تلفیقی از هویت ملی و دینی است، زیرا در دفاع مقدس، اتحاد ملی که لازمه دفاع در برابر دشمن بود، بر اساس ارزش‌ها و معیارهای تاریخی و دینی میسر شد. ایران بارها در طول تاریخ از جانب بیگانگان مورد تاخت‌وتاز بوده است و ایرانیان جنگ‌های فراوانی را برای دفاع از خود تحمل کرده‌اند. دیوان، تورانیان، رومیان، موجودات اهریمنی، اعراب و مغول بیگانگانی هستند که نبردهای ایرانیان با آن‌ها در شاهنامه و کتاب‌های تاریخی شرح داده شده است و این امر نشان می‌دهد که «زادگاه ادب مقاومت در بستر حوادث است و معمولاً ناهمزیستی و مبارزه مردمی با استبداد داخلی یا هجوم خارجی در گسترده‌ترین شکل آن در بین پیروان یک مکتب و مذهب و یا ملت به وجود می‌آید» (کمری، ۱۳۷۳: ۴۵۶). مبارزه رزمندگان با دشمن بعثی در سایه ارزش‌های دینی و مذهبی ترکیبی از هویت دینی و ملی است و صحنه‌های نبرد آن‌ها از قوم‌های مختلف ایرانی بیانگر اتحاد و همدلی آنان در راستای پایداری در برابر دشمن بعثی است که در خاطره-داستان نورالدین پسر ایران تبیین شده است: «حاج‌قلی را دیدم، در آن دشت بلاگرفته زیر نور منورها و آتش بی‌امان دشمن چشمم روی صورتش ماند، گلوله به صورتش خورده و گونه‌اش را داغان کرده بود، اما او هنوز سرپا بود و می‌خواست نیروهایش را سامان بدهد» (سپهری، ۱۳۹۱: ۴۰۲). این رویکرد شجاعانه از دشمن‌ستیزی در صفحات ۱۸۶، ۲۵۱، ۵۸۲، ۵۹۰، ۶۱۴ خاطره-داستان مورد مطالعه نیز آمده است، تصویرهای دشمن‌ستیزانه از محتواهای برتر در خاطره-داستان نورالدین پسر ایران است و نشان می‌دهد که این خاطره-داستان نقش اثرگذاری بر جامعه ایرانی در گذشته، حال و آینده دارد و بسان موجودی زنده است که در پراتیک اجتماعی وارد شده و اثرگذاری می‌کند.

خودشناسی و خودباوری

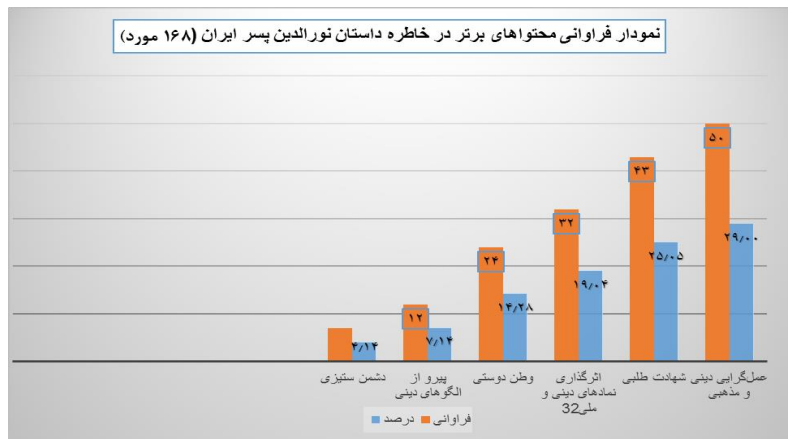
بنیان هویت ملی و دینی بر خودشناسی و خودباوری استوار است، خودشناسی و خودباوری؛ یعنی شناخت هویت خویش و باورداشتی استوار و برخاسته از فرهنگ دینی و ملی. مؤلفه‌های خودشناسی و خودباوری در جنگ تحمیلی نمود قابل‌توجهی یافت، چنانکه بارزترین دستاورد جنگ تحمیلی، نمود خودشناسی و خودباوری ملت ایران بود و به تأسی از همین دستاورد است که امروزه ملت‌های لبنان، فلسطین، سوریه و ... در برابر استکبار جهانی ایستادگی می‌کنند.

هویت آدمی ترکیبی از جسم و روح است و بعد روحانی بیشتر در کانون نگاه رزمندگان بوده است. رزمندگان دفاع مقدس با شناخت ارزش‌های انسانی و وجودی خویش که برگرفته از تعالیم دین اسلام بود به نوعی از خودباوری رسیدند و همین امر باعث شد که در برابر دشمن بعثی دچار خوباختگی و خودکم‌بینی نشوند. آنان در رویارویی با دشمنی که به انواع ابزارهای جنگی مسلح بود، هیچ هراسی نداشتند، چون به خودباوری برخاسته از خودشناسی مبتنی بر ارزش‌های دینی و ملی و معنوی دست یافته بودند. مخاطب خودباوری و اعتماد به نفس رزمندگان را در رویارویی با دشمن بارها در خاطره-داستان نورالدین پسر ایران می‌بیند، چنانکه با تجهیزات غنیمتی به جنگ دشمن می‌روند: «عقب ستون، ماشین‌های مهمات دیگری بودند که از ارتفاع حدود دو متری جاده منحرف شده و بعضی چپه شده بودند، ولی مهمات هنوز سالم بود، ما از همان مهمات در ادامه عملیات استفاده کردیم» (سپهری، ۱۳۹۱: ۲۷۳). دوره دفاع مقدس از مقاطع فراموش‌ناشدنی و بی‌نظیر تاریخ ایران است که از برکات مهم آن همان اعتماد به نفس و خودباوری رزمندگان است که توانستند با تکیه بر ایمان و باور و توانمندی برخاسته از آن بر دشمن بعثی غلبه کنند: «من و امیر برای یکی از تیربارهای عراقی سنگری درست کردیم، به جز ۶۰ تیرها چند جعبه بزرگ فشنگ هم از عراقی‌ها برایمان مانده بود. از فشنگ‌های رسام استفاده می‌کردیم تا معلوم شود، گلوله‌ها کجا می‌روند، ... هفت، هشت هواپیما در آسمان می‌چرخیدند که هر کدام بالای سر ما می‌رسید، می‌زدیمش» (همان: ۲۷۵).

اگر چه رزمندگان از نظر ادوات و سلاح‌های جنگی در آغاز تهاجم دشمن در وضعیت مناسبی نبودند، اما با تکیه بر خودباوری، نیروی انسانی مؤمن و متعهدی که عاشق شهادت و دفاع از ارزش‌های دینی و انقلابی بودند، معادله جنگ به نفع ایران تغییر کرد: «روز سوم عملیات، منطقه نسبتاً آرام بود، عراق تا آن روز نتوانسته بود گرای درست و حسابی بگیرد، اما هواپیماهایش از اولین روز عملیات در آسمان منطقه حضور داشتند و می‌خواستند قایق‌های ما را روی اروند بزنند، اما مهلت پیدا نمی‌کردند، چون شلیک‌ها و دولول‌های خودشان کنار اروند روی تپه‌ها سالم به دست ما افتاده بودند و بهترین موقعیت را برای پدافند هوایی داشتند» (همان: ۳۹۵). روحیه خودباوری و اعتماد به نفس رزمندگان دفاع مقدس در صفحات ۲۶۷، ۲۷۳، ۲۷۴، ۳۹۵ و ۴۵۸ نیز قابل مشاهده است که با ابزارهای غنیمتی از دشمنان بعثی با آن‌ها رویارویی می‌کردند و پیروز می‌شدند.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که برای دفاع از آموزه‌های اعتقادی و حقوق انسانی و استقلال سرزمینی ایران پدید آمدند، بی‌تردید هویت تازه‌ای از ایرانی بازتعریف کردند که تابع آموزه‌های اسلامی و شیعی است؛ هویتی دینی و ملی برخاسته از عناصری که ریشه در اندیشه‌های دینی مبتنی بر فرهیختگی و جان‌آگاهی دارد و بر چهار شاخص گذشته‌شناسی، خودشناسی، خودباوری و دشمن‌شناسی استوارند. اثرپذیری از الگوهای دینی و مذهبی، عمل‌گرایی دینی و مذهبی، توجه به اسطوره نوزایی یا شهادت‌طلبی، تمرکز بر نمادهای دینی و ملی و میهن‌دوستی، بارزترین عناصر هویتی شاخص گذشته‌شناسی از عوامل پیروزی رزمندگان در دفاع مقدس هستند که در خاطره-داستان نورالدین پسر ایران پژواک یافته‌اند. دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی و پایداری و مقاومت در برابر هجوم دشمن از دیگر مشخصه‌های هویت است که برخاسته از هویت ملی و دینی است، زیرا دفاع در برابر هجمه دشمن یعنی بر پایه ارزش‌ها و معیارهای ملی و دینی تحقق یافت. خودشناسی و خودباوری، نمودی دیگر از هویت ملی و دینی است که در خاطره-داستان نورالدین پسر ایران بازتاب دارد، چنان‌که رزمندگان دفاع مقدس با توکل بر خدا، اعتماد به نفس و خودباوری، ایمان و باور و توانمندی برخاسته از آن توانستند بر دشمن یعنی چیره شوند و بنیان‌های هویت ملی و دینی خود را برای جامعه جهانی بازتعریف کنند.



بسامد نمود هویت دینی و ملی در خاطره-داستان نورالدین پسر ایران

پی‌نوشت

۱. لای لای ای جوانانی که در جبهه ماندید، ای جوانانی که خسته شدید/ لای لای برای شما که در رود الوند به خون پاکتان غلتیدید/ راحت بخوابید که خوب خوابیده‌اید/ خوب فکر «سر» را از «سر» به در کرده‌اید.

۲. هر کس با وجود دوری خانه و مزارم، مرا زیارت کند، روز رستاخیز، در سه محل پیش او می‌آیم تا از ترس‌هایی که در آن سه جا مردم را فرامی‌گیرد، نجاتش دهم: الف) زمانی که نامه‌های اعمال به راست و چپ به حرکت درآید. ب) در جلو پل صراط. ج) در کنار سنجش اعمال.

منابع

۱. ابوالحسنی، سیدرحیم. (۱۳۸۶). «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکرد پژوهشی». *فصلنامه سیاست*. دوره ۳۸، شماره ۴، صص ۱-۲۲.
۲. احمدلو، حبیب. (۱۳۸۱). *بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی. عماد افروغ. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
۳. اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). *اسطوره بیان نمادین*. چاپ دوم. تهران: سروش.
۴. امیری خراسانی، احمد و حسن‌پور، عسکر. (۱۳۸۹). «مؤلفه‌های پایداری در سیمای شخصیت‌های دفاع مقدس». *ادبیات پایداری*. دوره ۱، شماره ۲، صص ۳۱-۴۴.
۵. پوینده، محمدجعفر. (۱۳۷۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*. (بررسی محتواها، مرحله‌ای اساسی در جامعه‌شناسی ادبیات معاصر از دیدگاه هانری زالامانسکی) تهران: نقش جهان.
۶. ----- (۱۳۷۷). *بررسی محتواها، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*. ترجمه محمدجعفر پوینده. چاپ پنجم. تهران: چشمه.
۷. تکیم، لیاقت‌علی. (۱۳۸۴). «تشیع آمریکا و تأثیرپذیری از عوامل خارجی». *مجله شیعه‌شناسی*. شماره ۹، صص ۱۷۹-۲۰۴.
۸. درزی کلایی، محمدرضا و آقاحسینی، علیرضا. (۱۳۹۱). «تأثیر شهادت‌طلبی از دیدگاه امام خمینی (ع) در تغییر مفهوم قدرت از منظر تئوری سازه‌انگاری». *مطالعات انقلاب اسلامی*. دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۹۱-۱۰۶.
۹. دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۰). *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. دورکیم، امیل. (۱۳۸۳). *صور ابتدائی حیات دینی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.
۱۱. رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). «بازتاب هویت ایرانی در آثار هنری و موارث فرهنگی». *پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۱، صص ۳۷-۵۸.
۱۲. رضایی، محمد. (۱۳۹۵). «بازشناسی تشیع و هویت ایرانی در اندیشه فرهیختگان ایرانی پیش از سقوط خلافت عباسی». *فصلنامه شیعه‌پژوهی*. دوره ۳، شماره ۸، صص ۵-۲۶.
۱۳. ----- (۱۳۹۴). «الگوی پیشنهادی برای تطبیق نظریه جامعه‌شناسی با ساختار ادبی-اجتماعی رمان فارسی». *ادبیات پارسی معاصر*. دوره ۵، شماره ۱، صص ۶۳-۸۴.
۱۴. سپهری، معصومه. (۱۳۹۱). *نورالدین پسر ایران*. چاپ سی و ششم. تهران: سوره مهر.

۱۵. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه. (۱۳۳۸). *عیون اخبار الرضا*. جلد اول و دوم. ترجمه محمد تقی اصفهانی. انتشارات علمیه اسلامیة.
۱۶. عاملی، محمد بن حسن حر. (۱۳۶۷). *وسائل الشیعة*. مصحح: محمد رازی. قم: آل البيت لإحياء التراث.
۱۷. عسگری حسنگلو، عسگر. (۱۳۸۷). *نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده*. چاپ اول. تهران: فرزانه.
۱۸. کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). *بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان*. تهران: انتشارات پالیزبان.
۱۹. کفاش، جمشید. (۱۳۸۴). «زمینه‌های انسجام ملی در آذربایجان». *مجموعه مقالات درآمدي بر فرهنگ و هویت ایران*. ۲۰-۴۵. به کوشش مریم صنیع جلال. تهران: تمدن ایرانی.
۲۰. کمري، علیرضا. (۱۳۷۳). *خاطره‌نگاشته‌ها و خاطره‌نویسی در گستره ادب مقاومت و فرهنگ جبهه*. تهران: سمت.
۲۱. گلدمن، لوسین. (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی ادبیات، دفاع از جامعه‌شناسی رمان*. ترجمه جعفر پوینده. چاپ اول. تهران: هوش و ابتکار.
۲۲. لویی، میشل و سامی نعیر. (۱۳۷۶). *مفاهیم اساسی در روش لوسین گلدمن*. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: چشمه.
۲۳. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۶). *دموکراسی و هویت ایرانی*. چاپ اول. تهران: کویر.
۲۴. محمودی، مریم و قربانی، حسن. (۱۳۹۵). «بررسی صبغه عرفانی مناجات‌های شهدای دفاع مقدس». *ادبیات پایداری کرمان*. دوره ۸، شماره ۱۵، صص ۳۷۳-۳۵۳.